Journal of Interpretive Innovations
http://iij.araku.ac.ir
ISSN: 2821-2754

The Place of Scientific Exegesis in the Ahl al-Bayt's Narrational Tradition

Hossein Maleki Moghaddam [a*]

[a] PhD student in Qurʾānic and Hadith Sciences, University of Qurʾānic Sciences and Education, Faculty of Qurʾānic Sciences, Mashhad, Iran

KEYWORDS

Narrational Exegesis, Scientific Exegesis, Exegetical Reports, Scientific Perspectives in Hadith Reports

Received: 15 June 2026;
Accepted: 08 July 2026

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/iij.2026.2091736.1070

ABSTRACT

Narrational exegesis transmitted from the Ahl al-Bayt (AS) is among the most authoritative approaches to understanding the Qurʾān. It occupies a central place in Imāmī exegesis and, through the teachings of the Infallibles, opens profound dimensions of revealed knowledge to exegetes. Known as the atharī method, this approach rests on the Ahl al-Bayt's authority in matters of knowledge and guidance and interprets the divine verses in light of their tradition. Scientific exegesis has a distinctive place within this school: it draws carefully on human knowledge and scientific findings to uncover aspects of Qurʾānic meaning without making revelation subordinate to changing empirical theories. Despite the growth of scholarship on scientific exegesis in the Islamic world, the scientific content of reports from the Ahl al-Bayt used in Qurʾānic exegesis has not been examined systematically. Using a descriptive–analytical approach, this study examines the place and function of scientific elements in the Infallibles' narrational exegesis and analyzes selected reports from semantic and epistemological perspectives. The findings show that the Ahl al-Bayt sometimes drew on human knowledge to make revealed teachings more accessible while preserving the Qurʾān's independence and guiding authority. In other cases, their profound allusions, extending beyond the knowledge of their time, convey truths that may be assessed as miraculous indications and anticipatory statements about scientific discoveries. Scientific exegesis in the Ahl al-Bayt's tradition thus offers a balanced model for the interaction of reason, science, and revelation and opens new avenues for interdisciplinary study of the Qurʾān and human knowledge.

* Corresponding author.
E-mail address: Hosseinmalekim@gmail.com

نوآوری‌های تفسیری، دوره ۴، شماره ۱، سال ۱۴۰۵، صفحات ۲۹ تا ۴۲

نوآوری‌های تفسیری

شاپا: ۲۷۵۴-۲۸۲۱

جایگاه تفسیر علمی در تفاسیر روایی اهل بیت علیهم السلام

حسین مالکی مقدم[الف*]

[الف] دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران، Hosseinmalekim@gmail.com

واژگان کلیدی

تفسیر روایی، تفسیر علمی، روایات تفسیری، نگرش علمی در روایات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷

مقاله علمی پژوهشی

چکیده

تفسیر روایی اهل‌بیت به‌مثابه یکی از اصیل‌ترین رهیافت‌های فهم قرآن کریم، جایگاهی بنیادین در تفسیر امامیه دارد و با اتکاء بر بیانات معصومان، افق‌های ژرفی از معارف وحیانی را فراروی مفسران می‌گشاید. این شیوه که از آن با عنوان «منهج اثری» یاد می‌شود، بر اساس مرجعیت علمی و هدایتی اهل‌بیت استوار است و تبیین آیات الهی را در پرتو سنت معصومان سامان می‌بخشد. در میان رویکردهای متنوع این مکتب، تفسیر علمی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. رویکردی که با بهره‌گیری سنجیده از دستاوردهای معرفتی و حقایق علمی، به کشف لایه‌هایی از دلالت‌های قرآن می‌پردازد، بی‌آنکه متن وحی را تابع نظریه‌های متغیر تجربی سازد. با وجود گسترش مطالعات مربوط به تفسیر علمی در جهان اسلام، واکاوی نظام‌مند روایات علمی اهل‌بیت در عرصه تفسیر قرآن همچنان با خلأهای پژوهشی روبه‌رو است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی، به بررسی جایگاه و کارکرد مؤلفه‌های علمی در تفسیر روایی معصومان پرداخته و نمونه‌هایی از این روایات را از منظر دلالت‌شناختی و معرفتی تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اهل‌بیت ضمن پاسداشت استقلال و مرجعیت هدایت‌گر قرآن کریم، در مواردی از ظرفیت علوم بشری برای تقریب مفاهیم وحیانی بهره برده و در پاره‌ای دیگر، با اشاراتی ژرف و فراتر از افق دانش عصر خویش، حقایقی را بیان کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در زمره اشارات اعجازگونه و پیش‌آگاهی‌های علمی ارزیابی کرد. بر این اساس، تفسیر علمی در مکتب اهل‌بیت الگویی متوازن برای تعامل میان عقل، علم و وحی ارائه می‌دهد و افق‌های نوینی را برای مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و دانش‌های بشری می‌گشاید.

۱. مقدمه

تفسیر قرآن کریم برای فهم و تبیین کلام الهی همواره از جایگاهی ویژه در فرهنگ و تمدن اسلامی برخوردار بوده است. در مراحل آغازین شکل‌گیری این دانش، روش «تفسیر به مأثور» برجسته شد، رویکردی که در آن فهم آیات قرآن از طریق روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان حاصل می‌گردید. اما تفاوت دیدگاه شیعه با برخی دیگر از مذاهب اسلامی در این نکته نهفته است که برای شیعه تنها اقوال و گفتار معصومان در تفسیر قرآن حجت و یا علم‌آور است. (حکیم، ۱۴۰۵ق،۱/۱۳۵). در باور شیعه اگرچه اقوال صحابه و تابعین ممکن است به عنوان شواهدی تاریخی مورد توجه قرار گیرند، اما به تنهایی نمی‌توانند مبنای تفسیر قطعی یک آیه قرآنی باشند.

در طول تاریخ، روش‌های متعددی برای تفسیر قرآن پدید آمده‌اند که هر کدام بر جنبه‌ای خاص از آیات الهی تمرکز داشته‌اند. یکی از این روش‌ها، «تفسیر علمی» است که در آن، از یافته‌های علوم بشری رای فهم و تبیین آیات قرآن استفاده می‌شود.

* نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیک: : Hosseinmalekim@gmail.com

در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز اشاراتی به اهمیت تفکر و تدبر در آیات قرآن و ارتباط آن با علوم و دانش‌های مختلف وجود دارد. تفسیر علمی اهل بیت (ع) به دلیل اتکا به علم الهی و عصمت از احتمال خطا و اشتباه مبرا خواهد بود و این امر اعتبار و اطمینان بیشتری به این نوع تفسیر می بخشد.

بررسی جنبه های علمی در تفسیر روایی اهل بیت علیهم السلام، مستلزم رویکردی محتاطانه و مبتنی بر شواهد و اصول معتبر است. اولاً، باید توجه داشت که انتساب یک تفسیر به اهل بیت (ع) نیازمند بررسی دقیق سندیت و اعتبار روایات است. از سوی دیگر اجتناب از تفسیر به رأی و تعمیم نابجای مفاهیم کلیدی باید مورد توجه قرار گیرد. در مجموع، روایات تفسیری اهل بیت (ع) گنجینه‌ای ارزشمند برای فهم معارف قرآنی و راهنمایی امت اسلامی هستند. اما، در مواجهه با این روایات، باید با احتیاط و در نظر گرفتن اهداف حقیقی قرآن و اهل بیت (ع) عمل کرد. تفسیر علمی به معنای تلاش برای تطبیق آیات با یافته‌های علمی روز، می‌تواند رویکردی مفید باشد، اما نباید به عنوان هدف اصلی تفسیر قرآن تلقی شود و نباید از ظرفیت‌های هدایتی و تربیتی قرآن غافل ماند.

در تفسیر علمی قرآن، مفسر با بهره‌گیری از علوم بشری و یافته‌های علمی، آیات قرآن را تبیین می‌کند. مراد از «علم» در اصطلاح «تفسیر علمی» علوم تجربی است (رفیعی محمدی و رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳، ۲/۶۲). تفسیر علمی قرآن، موضوعی است که موافقان و مخالفان آن تعاریف گوناگونی از آن ارائه داده‌اند. امین خولی نخستین کسی است که به تعریف این نوع تفسیر پرداخته و آن را عبارت از تحمیل اصطلاحات علمی بر قرآن و استخراج علوم و آرای فلسفی از آن دانسته است(ذهبی، ۱۳۹۷، ۲/۵۱۹). پس از او بسیاری همین تعریف را تکرار یا با عباراتی شبیه آن بازگو کرده‌اند(الرومی، ۱۴۱۸، ۲/۵۴۸). با این حال به باور رضایی اصفهانی، تفسیر علمی قرآن تعریف‌های متفاوتی دارد و هر مفسر با توجه به شیوه خود، آن را تعریف کرده است(رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵، ۲۷۴).

در روش تفسیری اهل سنت، گرایش به تفسیر علمی سابقه‌ای کهن دارد. به همین سبب تفاسیر معروفی چون «اسرار التنزیل» و «مفاتح الغیب فخر رازی» حاوی مباحث متنوع علمی هستند. در عصر جدید، تفاسیر علمی وسیعی در میان اهل سنت پدید آمد. برجسته‌ترین آنها «تفسیر الجواهر» طنطاوی جوهری (م. ۱۳۵۸ ق) است که در ۲۵ جلد نگارش یافت و «تنها نمونه تفسیر کامل قرآن به روش علمی» تلقی می‌شود. محمد عبدالمنعم الجمال در مقدمه «التفسیر الفرید» مدعی ارائه تفسیری نوآورانه از قرآن کریم با بهره‌گیری از دانش نوین عالمان غربی و شرقی است. با این حال، بررسی محتوای اثر نشان می‌دهد که این وعده به طور کامل محقق نشده است(عبدالمنعم جمال،بیتا، ۱/۴۸۳).

در روش تفسیری امامیه، گرایش آشکار به تفسیر علمی کمتر بوده و پیش از عصر معاصر نشانه‌های آن پراکنده است. اولین تفسیر جامع شیعه، تفسیر التبیان شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق) بود که به عنوان مجموعه‌ای روایی و کلامی تدوین شد. شیخ طوسی در این تفسیر با بهره گیری از دانش آن روز و به صورت بسیار مختصر به توضیح برخی مباحث علمی همچون مسئله کرویت زمین، دخان، رعد و برق و برزخ بین دو دریا می‌پردازد(طوسی، بیتا،۱۱۰و۹/۴۴۷ و۱/۱۰۲ و۷/۴۹۸). در دوره معاصر شیعه تألیفات متعددی با جنبه‌های علمی پدید آمده است. در این میان، آثار مفسران معاصر نظیر کتاب‌های «پرتوی از قرآن» آیت الله طالقانی، «تفسیر نمونه» آیت الله مکارم شیرازی برجسته‌اند. از آثار مستقل پیرامون مبانی تفسیر علمی نیز می توان به «قرآن و علوم طبیعت» گلشنی، «درآمدی بر تفسیر علمی قرآن» رضایی اصفهانی اشاره کرد. این مجموعه‌ها مثال‌های بارزی از تفاسیر علمی جدید در منابع شیعی به شمار می‌روند.

با وجود گستردگی آثار یادشده، بررسی نظام‌مند وجوه علمی تفسیر روایی اهل‌بیت هنوز به طور خاص مورد توجه قرار نگرفته است. مطالعات موجود عمدتاً به شیوه‌ی تفسیری کلیِ قرآن (اعم از زبانی، فقهی، اعتقادی یا تطبیقی با علوم تجربی) پرداخته‌اند، ولی تحلیل مستقل و آکادمیک «ابعاد علمی» مندرج در روایات معصومان در تفاسیر قرآن نادر بوده است و بررسی مختص این امر در منابع روایی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) کمینه و پراکنده است. در نتیجه، به نظر می‌رسد مطالعه‌ای تمام‌عیار بر جنبه‌های علمی در تفسیرهای روایی شیعی هنوز انجام نشده و چنین خلأ پژوهشی، ضرورت تحقیقات آتی را نشان می‌دهد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف کشف جایگاه مباحث علمی در تفسیر روایی اهل بیت علیهم‌السلام، از یک رویکرد توصیفی تحلیلی استفاده کرده است. در ابتدا، برای انجام این پژوهش، به جمع‌آوری منابع مرتبط با تفسیر روایی اهل بیت (علیهم‌السلام) پرداخته شده است. این منابع شامل روایات مختلف از معصومان (علیهم‌السلام) در تفسیر آیات قرآن کریم هستند که مباحث علمی مختلف را در بر می‌گیرند. در مرحله بعدی، روایات علمی از تفسیرهای اهل بیت (علیهم‌السلام) مورد تحلیل کیفی قرار گرفته است. در این مرحله، به بررسی واژه‌ها و اصطلاحات علمی در قرآن پرداخته می‌شود تا ارتباط میان مفاهیم قرآنی و یافته‌های علمی و تجربی کشف گردد. برای این کار از روش تحلیل محتوا و تطبیق متون استفاده شده است تا بتوان پیوستگی بین قرآن و علم را استخراج کرد. این فرآیند به ویژه برای آیات مرتبط با علوم نجوم، فیزیک، زیست‌شناسی و پزشکی کاربرد دارد.

روش‌شناسی این پژوهش بر اساس جمع‌آوری منابع معتبر، تحلیل کیفی روایات و آیات علمی قرآن و استفاده از تحلیل فقه‌اللّغه و مقایسه تطبیقی با یافته‌های علمی روز طراحی شده است. این رویکرد امکان می‌دهد تا جایگاه مباحث علمی در تفسیر روایی اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌طور کامل کشف و تحلیل شود و به‌عنوان یک خلأ پژوهشی در این زمینه، تأثیرات علمی قرآن و روایات اهل بیت آشکار گردد.

۳. گستره‌ی روش‌های تفسیری اهل بیت (ع)

ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در مقام مفسران قرآن کریم، از گستره‌ای متنوع از روش‌های تفسیری بهره جسته‌اند تا فهمی جامع و عمیق از کلام الهی را ارائه نمایند. این روش‌ها، که هر یک کارکردی خاص در تبیین معانی آیات داشته‌اند، عبارتند از: تفسیر قرآن به قرآن، که از طریق آیات دیگر به شرح و بسط معنای یک آیه می‌پردازد؛ تفسیر روایی، که با استناد به سنت نبوی و روایات سائر معصومین (علیهم‌السلام)، نکات و معارف پنهان در آیات را آشکار می‌سازد؛ تفسیر لغوی، که به رفع ابهام از واژه‌ها و عبارات قرآنی از طریق تبیین معانی لغوی آن‌ها همت می‌گمارد؛ تفسیر ادبی، که با تکیه بر قواعد زبان عربی، به استخراج معانی و مفاهیم عمیق از آیات می‌پردازد؛ تفسیر با تشبیه و تمثیل، که با ارائه الگوها و نمونه‌های ملموس، مفاهیم انتزاعی قرآن را قابل فهم‌تر می‌سازد؛ تفسیر عقلی، که با استفاده از براهین و استدلال‌های عقلی، به تبیین آیات مربوط به عقاید و اثبات توحید می‌پردازد؛ تفسیر به تاریخ، که با ذکر سرگذشت پیشینیان، عبرت‌ها و آموزه‌های نهفته در آیات را آشکار می‌سازد؛ و نهایتاً تفسیر علمی، که به اشارات علمی موجود در روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام و مطابقت آن‌ها با یافته‌های علوم روز می‌پردازد.

در ادامه پژوهش حاضر، با رویکردی توصیفی-تحلیلی، نمونه‌هایی از روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام که

مشتمل بر مضامین علمی‌اند، گردآوری و واکاوی شده است. این نمونه‌ها نمایانگر شیوه خاص معصومان علیهم‌السلام در تبیین آیات قرآن با بهره‌گیری از دانش‌های رایج و فرازمانی است. تحلیل این روایات، ابعاد معرفتی و روشی تفسیر علمی را در سنت تفسیری اهل‌بیت روشن می‌سازد.

٤. نمونه های تفسیر علمی اهل بیت

تفسیر علمی اهل بیت علیهم السلام با تفاسیر علمی امروزی که ممکن است متاثر از فرضیات و نظریات علمی غیر قطعی باشد، تفاوت اساسی دارد. تفسیر اهل بیت علیهم السلام بر پایه علم الهی و الهاماتی استوار است که از طریق وحی و رسالت به ایشان رسیده است. (کلینی،۱۳۶۵ش، ۱/۲۲۸). از این رو، تفاسیر علمی ایشان از اتقان و قطعیت بالایی برخوردار است و در بسیاری از موارد به عنوان پیشگویی‌های علمی در نظر گرفته می‌شود که بعدها صحت آنها توسط دانشمندان اثبات شده است.

به عنوان مثال در برخی از روایات منقول از اهل بیت (ع) اشاراتی به مباحثی مانند حرکت زمین (رضی، ۱۴۱۴، ۳۹)، گردش خورشید و ماه، وجود حیات در سایر کرات (کلینی،۱۳۶۵ش، ۸/۲۳۱) و مراحل تکامل جنین در رحم مادر (کلینی، ۱۳۶۵ش، ۶/۱۳) شده است. این مباحث در زمانی که دانش بشری نسبت به این موضوعات محدود بود مطرح شده‌اند و بعدها با پیشرفت علم صحت آنها به اثبات رسیده است.

علاوه بر این، رسول خدا و اهل بیت ایشان با تاکید بر اهمیت تفکر و تدبر در آیات قرآن کریم، زمینه‌ساز گسترش علوم و دانش در میان مسلمانان شده‌اند. ایشان با بیان ارتباط آیات قرآنی با پدیده‌های طبیعی، به انسان‌ها انگیزه داده‌اند تا در این پدیده‌ها تفکر کنند و از این طریق به شناخت بهتری از خداوند و جهان هستی دست یابند(مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۴/۳۴۸).

٤. ١. کرویت زمین و تفسیر مشارق و مغارب

یکی از جلوه‌های برجسته دانش بی‌کران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، تفسیر علمی آیات قرآن کریم و ارائه مفاهیمی است که قرن‌ها بعد توسط علم مدرن کشف شده‌اند. در این میان، تفسیر امیرالمومنین (علیه‌السلام) از آیه شریفه «فَلا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ» (معارج: ۴۰) و اشاره ایشان به کرویت زمین نمونه‌ای بارز از این دانش الهی است.

شیخ صدوق در معانی الاخبار روایتی از حضرت امیرالمومنین (ع) در تفسیر آیه مذکور نقل می‌کند که حضرت می‌فرماید: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ قَالَ لَهَا ثَلَاثُمِائَةٍ وَ سِتُّونَ مَشْرِقاً وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ سِتُّونَ مَغْرِباً فَيَوْمُهَا الَّذِي تُشْرِقُ فِيهِ لَا تَعُودُ فِيهِ إِلَّا مِنْ قَابِلٍ «۴» وَ يَوْمُهَا الَّذِي تَغْرُبُ فِيهِ لَا تَعُودُ فِيهِ إِلَّا مِنْ قَابِلٍ» (صدوق، ۱۳۷۱ش، ۱/۲۲۱) «برای زمین ۳۶۰ مشرق و ۳۶۰ مغرب است و از روزی که خورشید در آن طلوع می‌کند، تا سال بعد در آن طلوع نمی‌کند و روزی که خورشید در آن غروب می‌کند، تا سال بعد در آن غروب نمی‌کند.»

همچنین طبرسي در احتجاج از أصبغ بن نباتة نقل می‌کند که می‌گوید:

«خطبنا أمير المؤمنين (عليه السلام) على منبر الكوفة، فحمد الله و أثنى عليه، ثم قال: «أيها الناس، سلوني فإن بين جوانحي علما» فقام إليه ابن الكواء، فقال: يا أمير المؤمنين، ما الذاريات ذروا؟ قال: «الرياح» قال: فما الحاملات وقرا قال: «السحاب»، قال: فما الجاريات يسرا قال: «السفن» قال: فما المقسمات أمرا؟ قال: «الملائكة». قال: يا أمير المؤمنين، وجدت كتاب الله ينقض بعضه بعضا، قال: «ثكلتك أمك يا بن الكواء، كتاب الله يصدق بعضه بعضا، و لا ينقض

بعضه بعضا، فسل عما بدا لك؟» قال: يا أمير المؤمنين، سمعته يقول: بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ و قال في آية أخرى: رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ، و قال في آية اخرى: رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ. قال: «ثكلتك أمك يا بن الكواء، هذا المشرق و هذا المغرب، [و أما] قوله: رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ فإن مشرق الشتاء على حدة، و مشرق الصيف على حدة، أما تعرف ذلك من قرب الشمس و بعدها؟ و أما قوله: بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ فإن لها ثلاث مائة و ستين برجا، تطلع كل يوم من برج و تغرب في آخر، فلا تعود إليه إلا من قابل في ذلك اليوم»(طبرسی،۱۴۰۳، ۲۵۹؛ بحرانی،۱۳۹۷ش، ۵/۴۹۲).

«امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر فراز منبر کوفه خطبه‌ای ایراد فرمود، پس خدا را سپاس و ثنا گفت، سپس فرمود: ای مردم، از من بپرسید، زیرا در سینه‌ام علمی نهفته است. پس ابن کواء به پا خاست و گفت: ای امیرالمؤمنین، «الذاریات ذروا» چیست؟ فرمود: «بادها». گفت: «فا الحاملات وقرا» چیست؟ فرمود: «ابرها». گفت: «فا الجاریات یسرا» چیست؟ فرمود: «کشتی‌ها». گفت: «فا المقسمات أمرا»(ذاریات: ۱-۴) چیست؟ فرمود: «فرشتگان». گفت: ای امیرالمؤمنین، در کتاب خدا یافتم که بعضی از آیات، بعضی دیگر را نقض می‌کنند. فرمود: «مادرت به عزایت بنشیند ای پسر کواء، کتاب خدا بعضی از آن بعض دیگر را تصدیق می‌کند و بعضی بعض دیگر را نقض نمی‌کند، پس از هر چه می‌خواهی بپرس؟» گفت: ای امیرالمؤمنین، شنیدم که می‌فرماید: «بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ»(معارج: ۴۰) و در آیه‌ای دیگر فرموده است: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» (الرحمن: ۱۷)، و در آیه‌ای دیگر فرموده است: «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ»(شعراء: ۲۸). فرمود: «مادرت به عزایت بنشیند ای پسر کواء، این مشرق است و این مغرب، [و اما] فرموده‌اش: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» پس مشرق زمستان جداست و مشرق تابستان جداست، آیا این را از نزدیکی و دوری خورشید نمی‌دانی؟ و اما فرموده‌اش: «بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ» پس برای آن سیصد و شصت برج است، که هر روز از برجی طلوع می‌کند و در آخر در برجی غروب می‌کند، و تا سال دیگر در همان روز به آن برنمی‌گردد.»

با توجه به این روایت منظور از مشرق و مغرب، پدیده روزانه طلوع و غروب خورشید است. «مشرقین و مغربین»، اشاره به دو نقطه اوج طلوع و غروب خورشید در تابستان و زمستان دارد که بیانگر تغییرات فصلی است. اما نکته ظریف‌تر، حالت سوم است که دلالت بر این دارد که خورشید هر روز از نقطه‌ای جدید طلوع کرده و در نقطه‌ای جدید غروب می‌کند. این امر به آن معناست که به تعداد روزهای سال، ما شاهد مشرق‌ها و مغرب‌های متفاوتی هستیم.

در این موضوع همچنین می‌توان به روایتی از امام صادق علیه السلام استدلال کرد که فرمود:

«صَحِبَنِي رَجُلٌ كَانَ يُمَسِّي بِالْمَغْرِبِ وَ يُغَلِّسُ بِالْفَجْرِ فَكُنْتُ أَنَا أُصَلِّي الْمَغْرِبَ إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ وَ أُصَلِّي الْفَجْرَ إِذَا اسْتَبَانَ لِيَ الْفَجْرُ فَقَالَ لِيَ الرَّجُلُ مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَصْنَعَ مِثْلَ مَا أَصْنَعُ فَإِنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ عَلَى قَوْمٍ قَبْلَنَا وَ تَغْرُبُ عَنَّا وَ هِيَ طَالِعَةٌ عَلَى آخَرِينَ بَعْدُ قَالَ فَقُلْتُ إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُصَلِّيَ إِذَا وَجَبَتِ الشَّمْسُ عَنَّا وَ إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ عِنْدَنَا لَيْسَ عَلَيْنَا إِلَّا ذَلِكَ وَ عَلَى أُولَئِكَ أَنْ يُصَلُّوا إِذَا غَرَبَتْ عَنْهُمْ.» (صدوق،۱۳۷۶ش، ۸۱).

«مردی با من همراه شد که نماز شام را در پسین و نماز بامداد را در آخر شب به جا می‌آورد. چون دید که من نماز شام را بعد از غروب خورشید و نماز صبح را پس از دمیدن سپیده می‌گزارم، به من گفت: چه ضرر دارد که تو هم مانند من نماز بگزاری؟ زیرا که خورشید پیش از آن‌که برای ما طلوع کند، برای گروه دیگری رخ نشان می‌دهد و همان موقع که از افق ما غروب می‌کند، برای گروه دیگر که بعد از ما هستند طلوع می‌کند؟ جواب دادم: آنچه بر ما واجب است آن است که نماز مغرب را وقتی بخوانیم که خورشید از افق خود ما غروب می‌کند و هم‌چنین نماز بامداد هنگامی بر ما واجب است که

سپیده بر خود ما بدمد، و بر دیگران نیز وقتی نماز مغرب واجب است که خورشید از خود آنها پنهان شود.»

پاسخ امام به شبهه این شخص چنین بود که هر فردی و اهل هر افقی باید بر اساس طلوع و غروب خورشید در افق خود نماز بخوانند و طلوع و غروب خورشید در نقاط مختلف کره زمین در زمان‌های مختلفی رخ می‌دهد. این تنوع و تعدد، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که زمین دارای شکل کروی باشد. در غیر این صورت، طلوع و غروب خورشید در یک زمان برای تمام نقاط زمین قابل مشاهده بود.

٤. ٢. کهکشان راه شیری

امیرالمومنین علیه السلام در تفسیر آیه اول سوره انشقاق، «اِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ»، که پیرامون احوال روز قیامت است، می‌فرماید: "إِنّها تَنشَقُّ مِنَ المَجَرّةِ»(فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۵/۳۰۴؛ مجلسی،۱۴۰۳ق،۵۵/۸۲). یعنی آسمان‌ها از کهکشان جدا می‌شوند. بر اساس روایت امیرالمومنین علیه السلام، این ستارگانی که ما در آسمان می‌بینیم، در آستانه قیامت از کهکشان جدا می‌شوند و نظم کلی عالم به هم می‌خورد.

بسیاری از مفسران فریقین نیز در تفسیر آیه مذکور این روایت امیرالمومنین علیه السلام را نقل کرده اند (نظام الاعرج، ۱۴۱۶ق، ۶/۴۶۹؛ آلوسی،۱۴۱۵ق،۱۵/۲۸۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۵/۲۹۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۵/۳۰۴). محی الدین شیخ زاده در حاشیه خود بر تفسیر بیضاوی می‌نویسد: «عن علی : تنشق من المجره... و هي باب السماء يقال لها بالفارسية راه كهكشان، و هي ترى في الشتاء في أول الليل في ناحية السماء، و في الصيف في أول الليل في وسط السماء و تنتقل في آخر الليل إلى غير موضعها، و يقال: إن النجوم تقاربت في المجرة فطمس بعضها فصارت كالسحاب.» (شیخزاده، ۱۴۱۹ق، ۸/۵۴۵).

همچنین برخی مفسرین این روایت را یک معجزه علمی قلمداد کرده که در زمان صدور این حدیث هیچ یک از دانشمندان به مفهوم «کهکشان» و جایگاه منظومه‌های شمسی در آن پی نبرده بودند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ۲۶/۳۰۳). امروزه با پیشرفت علم نجوم و به کمک تلسکوپ‌های قدرتمند، می‌دانیم که عالم از مجموعه‌ای از کهکشان‌ها تشکیل شده است و هر کهکشان خود، مجموعه‌ای از منظومه‌ها و ستارگان بی‌شمار است. به همین دلیل کهکشان‌ها را "شهرهای ستارگان" نیز می‌نامند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ۲۶/۳۰۳).

البته، تفسیر این حدیث و ارتباط آن با یافته‌های علمی، همچنان موضوعی برای بحث و بررسی است. با این حال، اشاره امیرالمومنین (ع) به جدا شدن آسمان‌ها از کهکشان، با توجه به دانش محدود آن زمان شایان توجه است.

٤. ٣. ساختار بدنی پشه و عنکبوت

خداوند در سوره بقره به مثالی از موجودات کوچک مانند پشه و عنکبوت اشاره دارد (بقره: ۲۶) که اغلب در تفسیرهای قرآنی به عنوان نشانه ای از عظمت خداوند در خلقت، حتی در کوچکترین موجودات، مورد بررسی قرار می گیرد.

امام صادق علیه السلام درباره آفرینش این حیوان کوچک می فرماید:

«إنما ضرب الله المثل بالبعوضة لأن البعوضة على صغر حجمها خلق الله فيها جميع ما خلق في الفيل مع كبره و زيادة عضوين آخرين فأراد الله تعالى أن ينبه بذلك المؤمنين على لطيف خلقه و عجيب صنعه»(طبرسی،۱۳۶۱ش، ۱/۱۶۵).

«خداوند به پشه مثال زده است با این که از نظر جسم بسیار کوچک است، ولی از نظر ساختمان همان دستگاه هائی

را دارد که بزرگ ترین حیوانات (خشکی) یعنی فیل دارا است و علاوه بر آن دو عضو دیگر (شاخک ها و بال‌ها) در پشه است که فیل فاقد آن است خداوند می خواهد با این مثال، ظرافت و عجایب آفرینش را برای مؤمنان بیان کند.»

امام صادق (ع) در تشریح ساختار پشه بر این نکته تاکید می ورزند که با وجود جثه بسیار کوچک، پشه دارای همان دستگاه های پیچیده ای است که در بزرگترین حیوانات خشکی نظیر فیل یافت می شود. این بدان معناست که تمام سیستم های حیاتی از جمله سیستم عصبی، سیستم گردش خون، سیستم گوارش و سیستم تنفسی، در پشه به همان میزان پیچیدگی و دقت در فیل وجود دارند. این مسئله، قدرت و حکمت خداوند در خلق موجودات را به نمایش می گذارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ۱/۱۵۱).

در ادامه امام صادق (ع) اشاره می کنند که پشه دارای دو عضو اضافی، یعنی شاخک ها و بال ها، است که فیل فاقد آن هاست. این شاخک ها به پشه کمک می کنند تا محیط اطراف خود را حس کند و منبع غذایی خود را پیدا کند. بال ها نیز به پشه امکان پرواز و جابجایی را می دهند. این دو عضو، نقش حیاتی در بقای پشه ایفا می کنند و فقدان آنها در فیل، نشان می دهد که هر موجودی متناسب با نیازها و شرایط زندگی خود، طراحی شده است.

٤. ٤. ستارگان پنج گانه یا نجوم متحیره

از دیگر روایات تفسیری که به تبیین پدیده‌های نجومی و ارتباط آنها با مفاهیم معنوی می‌پردازند پیرامون آیات ۱۵ و ۱۶ سوره تکویر است که می فرماید: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ، اَلْجَوَارِ الْكُنَّسِ.» امیرالمومنین علی علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «هي خمسة أنجم زحل و المشتري و المريخ و الزهرة و عطارد.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۲/۴۱۷).

یکی از دلایل برجستگی این تفسیر، ویژگی خاص حرکت این پنج سیاره در آسمان است. این ستاره ها را «نجوم متحیره» می نامندچرا که این پنج ستاره بر خلاف سایر ستارگان و اجرام آسمانی که به نظر می‌رسد در مسیرهای مشخص و منظم حرکت می کنند، حرکتی نامنظم و پیچیده دارند. در واقع به نظر می‌رسد که گاهی به سمت جلو حرکت می کنند، سپس متوقف می‌شوند و حتی برای مدتی به سمت عقب بازمی‌گردند. این پدیده در اصطلاح نجومی «حرکت رجعی» نامیده می‌شود. (کوریا، ۲۰۱۰م، ۱۵)

در طی حرکت عادی سیاره از غرب به شرق، سرعت آن تدریجاً کاهش می‌یابد تا به نقطه‌ای برسد که به نظر می‌رسد سیاره نسبت به ستارگان ثابت شده است. به این حالت، «اقامت شرقی» گفته می‌شود. پس از اقامت شرقی، سیاره حرکت خود را در جهت مخالف، یعنی از شرق به غرب، آغاز می کند. این حرکت معکوس، همان حرکت رجعی یا رجوعی است. در پایان حرکت رجعی، سیاره مجدداً به حالت اقامت می‌رسد که به آن "اقامت غربی" می گویند. پس از اقامت غربی، سیاره دوباره به حرکت عادی خود از غرب به شرق ادامه می‌دهد. (کارل، ۲۰۰۷م، ۴-۳)

توصیف "خنّس، جوار، کنّس" در آیه، با همین ویژگی‌های نجومی این سیارات هماهنگی دارد. "خُنَّس" به معنای پنهان شونده یا بازگردنده است، که می‌تواند به پنهان شدن این سیارات در نور روز یا حرکت رجعی آنها اشاره داشته باشد. «جوار» به معنای رونده و در حال حرکت است، که به حرکت دائمی این سیارات در آسمان اشاره دارد. «کُنَّس» به معنای نهان شونده یا مخفی شونده است، که می‌تواند به پنهان شدن این سیارات در افق یا در پس خورشید اشاره داشته باشد. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۲/۴۱۷).

شیخ طبرسی در تفسیر خود مجمع البیان به این نکته اشاره می کند: «یخنس بالنهار و تبدو بالليل، الجواری تجری

لافلاکها و الکنس تتواری فی بروجها»، «در روز پنهان و در شب آشکار می‌شود، و جواری، سیاراتی هستند که در مدار خود حرکت می‌کنند، و کنّس پنهان شدن در برج‌های خودشان است».(طبرسی، ۱۳۶۱ش، ۱/۶۷۷). این تفسیر به خوبی توضیح می‌دهد که چگونه این پنج سیاره با این صفات منطبق هستند.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان نیز به این موضوع پرداخته و بیان می‌کند: «مناسب‌ترین و منطبق‌ترین دیدگاه با صفات یادشده در آیه، همان سیارات متحیره؛ یعنی زحل، مشتری، مریخ، زهره و عطارد می‌باشند.» وی در ادامه، دلیل این انطباق را وجود «استقامة و رجعة و اقامة» در حرکت این سیارات می‌داند؛ یعنی حرکت مستقیم، رجعی و ایستایی ظاهری که به آنها اختصاص دارد (طباطبایی، ۱۳۸۳ش، ۲۰/۲۱۷).

٤. ٥. وجود حیات در سایر کرات

آیه ۲۹ سوره شوری "وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ" ، با استفاده از کلمات کلیدی «دابه» (جنبنده) و «فیهما» (در آن دو)، زمینه را برای تفسیری گسترده تر از مفهوم حیات فراهم می آورد. به طور سنتی تصور از حیات محدود به کره زمین بوده است. اما آیه مذکور با اشاره به «فیهما» - یعنی هم در آسمان‌ها و هم در زمین، این تصور را به چالش می‌کشد. کلمه «دابه» نیز به هر موجود زنده ای که حرکت می‌کند صرف نظر از شکل، اندازه و زیستگاه آن اطلاق می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۸۳ش، ۱۸/۵۸). بنابراین می توان استنباط کرد که آیه ۲۹ سوره شوری، امکان وجود حیات در خارج از کره زمین، در آسمان‌ها و سیارات دیگر را به عنوان یکی از نشانه های الهی در آفرینش مطرح می سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ۱/۱۶۵)

برخی روایات نیز دریچه ای جدید به سوی دیدگاهی فراتر از درک رایج ما از جهان و خلقت می گشایند. این روایات با طرح ایده وجود عوالم مادی پیشین و پسین، حیات انسانی در آنها و همچنین وجود گونه های شبه انسان پیش از حضرت آدم (ع)، پرسش های عمیقی را در مورد ماهیت خلقت، گستره حیات و جایگاه انسان در جهان هستی مطرح می کنند. روایاتی که به وجود عوالم پیشین و پسین اشاره می کنند، بر این نکته تاکید دارند که این عوالم مادی بوده و در آنها موجوداتی شبیه انسان زندگی می کرده اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۵/۲۵). علاوه بر این، روایات دیگری وجود دارد که از وجود هفت گونه شبه انسان قبل از آفرینش حضرت آدم (ع) سخن می گویند که همگی آنها منقرض شده اند(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۴/۳۱۹).

امام صادق (ع) می فرماید:

«إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اثْنَیْ عَشَرَ أَلْفَ عَالَمٍ كُلُّ عَالَمٍ مِنْهُمْ أَكْبَرُ مِنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرَضِينَ مَا يَرَى عَالَمٌ مِنْهُمْ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَالَماً غَيْرَهُمْ وَ إِنِّي الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق،۲۷/۴۱).

«برای خدای عزّ و جلّ دوازده هزار عالَم است که هر کدام آنها بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین می باشد. هیچکدام از (اهل) این عوالم برای خدا عالَمی غیر از عالَم خودشان نمی بینند و من بر همه ی آنها حجّت هستم.»

در مورد ماهیت این عوالم دو احتمال عمده وجود دارد: عوالم مادی یا عوالم مجرد. به نظر می رسد احتمال مادی بودن این عوالم قوی تر باشد، زیرا عوالم مجرد عموماً از یکدیگر و از عالم ماده آگاهی دارند و نیاز به حجّت معصوم که در روایات به آن اشاره شده نشان از مکلّف بودن ساکنان این عوالم دارد و مادیّت یکی از شروط فلسفی تکلیف به شمار می رود.

روایت دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ إِنَّ مِنْ وَرَاءِ شَمْسِکُمْ هَذِهِ أَرْبَعِینَ عَیْنَ شَمْسٍ مَا بَیْنَ شَمْسٍ إِلَی شَمْسٍ أَرْبَعُونَ عَاماً فِیهَا خَلْقٌ کَثِیرٌ مَا یَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ أَوْ لَمْ یَخْلُقْهُ وَ إِنَّ مِنْ وَرَاءِ قَمَرِکُمْ هَذَا أَرْبَعِینَ قَمَراً مَا بَیْنَ قَمَرٍ إِلَی قَمَرٍ مَسِیرَهُ أَرْبَعِینَ یَوْماً فِیهَا خَلْقٌ کَثِیرٌ مَا یَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ أَوْ لَمْ یَخْلُقْهُ قَدْ أُلْهِمُوا کَمَا أُلْهِمَتِ النَّحْلُ لَعْنهَ الْأَوَّلِ و الثَّانِی فِی کُلِّ وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَ قَدْ وُکِّلَ بِهِمْ مَلَائِکَهٌ مَتَی لَمْ یَلْعَنُوهُمَا عُذِّبُوا.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق،۲۷/۴۶).

«جابر گوید از امام باقر (ع) شنیدم که می فرمودند: همانا بیرون از این خورشید شما چهل چشمه ی خوشید است که از هر خورشیدی تا خورشید دیگر چهل روز فاصله است. در آن مخلوقات فراوانی هستند که نمی دانند آیا خدا آدمی خلق کرده یا نه. و بیرون این ماه شما چهل ماه است که بین ماهی تا ماه دیگر مسیر چهل روز است. در آن مخلوقات فراوانی هستند که نمی دانند آیا خدا آدمی خلق کرده یا نه. به آنها الهام شده همانگونه که به زنبور عسل الهام شده که لعنت کنند اوّلی و دومی را در هر زمانی از زمانها ؛ و بر آنها فرشتگانی گماشته شده اند تا هر گاه لعنت نکردند آنها را عذاب کرده شوند.»

روایت مورد نظر با ارائه شواهدی روشن، احتمال ملکوتی بودن موجودات مذکور را تضعیف می‌کند. موجودات ملکوتی، از جمله فرشتگان، ذاتاً از تکلیف و نافرمانی مبرا هستند؛ به عبارت دیگر نافرمانی برای آن‌ها امری مغایر با ماهیت وجودی‌شان است. در حالی که در این روایت نشانه هایی از نافرمانی یا تبعیت از دستورات وجود دارد که با این ویژگی ذاتی فرشتگان در تضاد است.

روایتی دیگر از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«هَذِهِ النُّجوم الّتِی فِی السّمَاءِ مَدَائِن مِثْل الْمَدَائِنِ الّتِی فِی الأرْضِ مَرْبوطَه کلُّ مَدِینَه إِلَی عَمود مِنْ نور طول ذَلِکَ الْعَمودِ فِی السّمَاءِ مَسِیرَه مِائَتَیْنِ وَ خَمْسِینَ سَنَه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۵/۹۱).

«این ستارگانی که در آسمان می‌باشند، شهرهایی هستند مانند شهرهای موجود در زمین؛ که هر شهری به ستونی از نور مربوط و متّصل است که طول آن ستون در آسمان به اندازه‌ی مسیر دویست و پنجاه سال است.»

فرموده گهربار امیرالمؤمنین مبنی بر وجود شهرهایی همچون شهرهای زمینی در آسمان‌ها، متصل به ستون‌هایی از نور به طول ۲۵۰ سال نوری، نه تنها دریچه‌ای به سوی عظمت و وسعت بی‌پایان کائنات می‌گشاید، بلکه در پیوند با پیشرفت‌های علمی بشر، قابل تأمل و بررسی است.

٤. ٦. حرکت زمین

حضرت امیرالمومنین علیه السلام با الهام از آیه شریفه «وَ الْجِبالَ اَوْتاداً» (نباء: ۷)، کوه‌ها را به عنوان تثبیت‌کننده‌های زمین معرفی می‌کند و میفرماید: «وَ وَتَّدَ بِالصُّخُورِ مَیَدَانَ اَرْضِه»(سیدرضی،۱۴۱۴ق، ۳۹). این تعبیر، به ظرافت، به احتمال تحرک و لرزش زمین اشاره دارد.

این روایت اشاره دارد که اگر زمین ثابت و بی‌حرکت فرض شود، دیگر نیازی به وجود عواملی برای مهار لرزش و اضطراب نخواهد بود. به عبارت دیگر، وجود کوه‌ها به عنوان «اوتاد» (میخ‌ها) برای تثبیت زمین، تلویحاً به این معناست که زمین در معرض حرکت و لرزش قرار دارد و این حرکت، نیازمند مهار و کنترل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ۱۵/۵۶۹). برخی لغت‌شناسان نیز واژه «مَیَدان» را به معنای اضطراب و رفت و آمد تفسیر کرده‌اند که این تفسیر، قرینه‌ای

بر همین نظریه است. (مصطفوی، ۱۳۷۸ش، ۱۱/۲۲۳).

حقیقت آن است که این مباحث در زمانی مطرح شده است که باور به حرکت زمین، پدیده ای چنان غریب و دور از ذهن بود که پذیرش آن حتی برای دانشمندان نیز دشوار بود. نخستین کسی که جسارت ابراز این عقیده را یافت، فیثاغورس، نابغه قرن پنجم قبل از میلاد بود. پس از او ارشمیدس نیز از این دیدگاه پیروی نمود (شهرستانی، ۱۳۸۷ش، ۳۹) گالیله ایتالیایی نیز، به جرم تبیین و اعلام حرکت وضعی و انتقالی زمین، چنان مورد تحقیر و توهین قرار گرفت که نزدیک بود اعدام شود. تا آنکه کوپرنیک آلمانی(۱۴۷۳-۱۵۴۳م) با ارائه دلایل قوی، این موضوع را اثبات نمود و کتاب هایی در این زمینه به نگارش درآورد. لذا او را بنیانگذار هیئت جدید می دانند (شهرستانی، ۱۳۸۷ش، ۳۹).

۵. چارچوبی برای تفسیر علمی مبتنی بر روایات اهل‌بیت

بررسی روایات تفسیری اهل‌بیت (ع) نشان می‌دهد که ایشان در بیان مطالب علمی، نه از روش تجربی یا اثبات‌گرای مدرن، بلکه از رویکردی هدایتی، تدریجی و متناسب با ظرفیت مخاطب بهره می‌بردند. تفاسیر علمی اهل‌بیت (ع) انتقال صرف داده‌های علمی نیست و اغلب ناظر به تقویت توحید، تعمیق ایمان و تحریک عقلانیت است. برخلاف تفسیر علمی نوین که گاه به تطبیق آیات با نظریات علمی روز بسنده می‌کند، اهل‌بیت (ع) با حفظ اصالت وحی، علم را در خدمت هدایت قرار داده‌اند. از این‌رو روش تفسیری ایشان، ترکیبی از هدف‌مندی هدایتی، ظرفیت‌سنجی و استقلال معرفتی است.

ارائه چارچوبی منسجم برای فهم و ارزیابی تفسیر علمی در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام ضروری است. چارچوبی که از یک‌سو پایبند به روش‌شناسی حدیثی و دینی باشد، و از سوی دیگر از دقت‌های لازم در مواجهه با علوم بشری برخوردار باشد. این چارچوب را می‌توان در سه محور تنظیم کرد:

۱. میزان اعتبار علمی: محتوای روایت باید از نظر هم‌سویی با یافته‌های معتبر علمی سنجیده شود، نه نظریات ناپایدار که احتمال تغییر آن‌ها وجود دارد.

۲. هدف هدایتی روایت: حتی در بیان مفاهیم علمی، هدف اصلی هدایت‌گری دینی و تربیتی است. اهل‌بیت (ع) در بیان مفاهیم علمی، عمدتاً در پی اثبات عظمت خلقت، قدرت خدا، یا تشویق به تعقل بوده‌اند.

۳. عدم تحمیل علم بر وحی: اصل حاکم، تقدم متن وحی و کلام معصوم بر علوم متغیر بشری است. تلاش برای تفسیر علمی نباید به تحمیل فرضیات علمی بر الفاظ قرآن یا روایت بینجامد.

٦. نتیجه گیری

تفسیر روایی اهل‌بیت علیهم‌السلام بی‌تردید یکی از اصیل‌ترین و معتبرترین منابع فهم قرآن کریم در سنت شیعی است که از طریق آن، ژرف‌ترین لایه‌های معانی وحی در پرتو علم الهی معصومان روشن می‌شود. این سبک تفسیری، به‌ویژه از آن‌رو اهمیت دارد که بر پایه حدیث ثقلین، اهل‌بیت علیهم‌السلام در کنار قرآن به‌عنوان راهنمایان معصوم معرفی شده‌اند.

در این میان، توجه اهل‌بیت علیهم‌السلام به برخی مباحث علمی در تفسیر قرآن، دریچه‌ای نو به پیوند میان دانش وحیانی و دانش بشری می‌گشاید؛ روایاتی که گاه نه‌تنها به توصیف پدیده‌های طبیعی پرداخته‌اند، بلکه در مواردی به‌صورت اعجازآمیز از واقعیت‌هایی سخن گفته‌اند که قرن‌ها بعد مورد کشف قرار گرفته‌اند. این روایات که می‌توان از آن‌ها

با عنوان «تفسیر علمی معصومان» یاد کرد، ظرفیت بالقوه‌ای در اثبات هماهنگی دین و علم دارند و با نگاهی دقیق می‌توانند به تقویت ایمان و افزایش بصیرت معرفتی بینجامند.

با این حال، بهره‌گیری از این روایات باید با دقت، احتیاط و پرهیز از افراط همراه باشد. علوم بشری، متغیر، تجربی و گاه دچار خطا هستند و نباید معیار تأویل آیات یا داوری درباره صحت روایات قرار گیرند. این قرآن و سنت معصومان‌اند که معیار حقیقت‌اند، نه یافته‌های علمی روز که همواره در معرض تحول و بازبینی‌اند.

قرآن کریم، پیش از آن‌که کتاب علوم طبیعی یا ریاضیات باشد، کتاب هدایت، تربیت، ایمان، و سلوک انسان به‌سوی کمال است. بنابراین، در مواجهه با روایات علمی باید اهداف کلان هدایت‌گری قرآن و سنت را در نظر گرفت. هرچند تفسیر علمی می‌تواند به مثابه روشی مکمل در خدمت تعمیق فهم و پیوند ذهن مخاطب با قرآن قرار گیرد، اما نباید به‌عنوان غایت نهایی تفسیر تلقی شود؛ زیرا چنین نگاهی ما را از رسالت اصلی قرآن که تربیت انسان الهی است، غافل می‌سازد.

در مجموع، روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام، میراثی گران‌سنگ و افقی راهگشا برای فهم ژرف‌تر معارف قرآنی و هدایت فکری و معنوی امت اسلامی به شمار می‌روند. با این حال، تأمل در شیوه تفسیری معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهد که اهتمام ایشان از رهگذر توجه دادن مخاطبان به اسرار آفرینش و سنن حاکم بر عالم، در پی تعمیق معرفت توحیدی، تقویت ایمان به حکمت و قدرت الهی، و رهنمون ساختن انسان به تأمل در آیات آفاقی و انفسی بوده است؛ چنان‌که در مواردی نیز با تبیین برخی حقایق مربوط به جهان طبیعت، به رفع شبهات و تصحیح انگاره‌های نادرست مخاطبان همت گماشته‌اند. بر این اساس، تفسیر علمی در مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام، نه غایتی مستقل، بلکه ابزاری در خدمت رسالت اصلی قرآن، یعنی هدایت انسان به سوی معرفت الهی و کمال معنوی است.

٦. کتابنامه

- قرآن کریم

١. ابن‌تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، (١٤١٦ق)، *مقدمة فی أصول التفسیر*، تحقیق: محمد بن صالح العثیمین. ریاض: دار الوطن.

٢. آلوسی، محمود بن عبدالله، (١٤١٥ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

٣. بحرانی، سید هاشم، (١٣٩٧ش)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: محمد رحمتی شهرضا، قم: انتشارات دلیل ما.

٤. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (١٤١٨ق)، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

٥. جمال، محمد عبدالمنعم، (بی‌تا)، *التفسیر الفرید للقرآن المجید*، قاهره.

٦. حکیم، محسن، (١٤٠٥ق)، *الأصول العامة للفقه المقارن*، قم: دارالتعارف.

٧. حلی، حسن بن یوسف، (١٤٠٢ق)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

٨. ذهبی، محمدحسین، (١٣٩٧ق) .*التفسیر و المفسرون*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

٩. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (١٤١٢ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم.

۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۳ش)، *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.

۱۱. رضی، محمد بن حسین، (۱٤۱٤ق)، *نهج‌البلاغه*، تصحیح: صبحی صالح، بیروت: دارالکتاب اللبنانی.

۱۲. الرومی، فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، (۱٤۱۸ق)، *اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر*، بیروت: مؤسسة الرسالة.

۱۳. سبحانی، جعفر، (۱٤۲۳ق)، *الهیات (به معنای اخص)*، قم: مؤسسه امام صادق(ع).

۱۴. سبحانی، جعفر، (۱۳۸٤ش)، *منشور جاوید*، قم: مؤسسه امام صادق(ع).

۱۵. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، (۱٤۰۳ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت: دارالفکر.

۱٦. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، (۱٤۱٦ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالفکر.

۱۷. شهرستانی، هبةالدین، (۱۳۸۷ش)، *اسلام و هیئت*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۱۸. شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی، (۱٤۱۹ق)، *حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی* .بیروت: دارالکتب العلمیة.

۱۹. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۱ش)، *معانی الأخبار*، تهران: نشر کتابچی.

۲۰. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷٦ش)، *الأمالی* .تهران: نشر کتابچی.

۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۳ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۲. طبرسی، احمد بن علی، (۱٤۰۳ق)، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی.

۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳٦۱ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

۲٤. طوسی، محمد بن حسن، (۱٤۰۰ق)، *الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۲۵. طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲٦. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱٤۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱٤۰٦ق)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین(ع)،

۲۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱٤۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبة الصدر.

۲۹. قمی، شیخ عباس، (۱٤۱٦ق)، *سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار*، تهران: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳٦۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

۳۱. مجلسی، محمدباقر، (۱٤۰۳ق)، *بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تهران: مؤسسه الوفاء.

۳۲. مصطفوی، حسن، (۱۳۷۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز نشر کتاب.

۳۳. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۷ش)، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۳٤. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۳ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

۳۵. نظام الأعرج، حسن بن محمد، (۱٤۱٦ق)، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق: زکریا عمیرات. بیروت: دارالکتب العلمیة.

36. Carroll, Bradley W., & Ostlie, Dale A, (2007), *An Introduction to Modern Astrophysics* (2nd ed.), San Francisco: Addison-Wesley.
37. Correia, Alexandre C. M., & Laskar, Jacques, (2010), Tidal Evolution of Exoplanets In S. Seager (Ed.), *Exoplanets*. Tucson, Arizona: University of Arizona Press.